

گریسمس در پشت پرده

بیش از یک نمایش

❖ یوسف – ترس

"تولد عیسی مسیح اینچنین روی داد: مریم، مادر عیسی، نامزد یوسف بود. اما پیش از آنکه به هم ببیوندند، معلوم شد که مریم از روح القدس آبتن است. از آنجا که شوهرش یوسف مردی پارسا بود و نمی خواست مریم رسوا شود، چنین اندیشید که بی هياهو از او جدا شود.

"اما همان زمان که این تصمیم را گرفت، فرشته خداوند در خواب بر او ظاهر شد و گفت: «ای یوسف، پسر داوود از گرفتن زن خود مریم مترس زیرا آنچه در بطن وی جای گرفته، از روح القدس است. او پسری به دنیا خواهد آورد که تو باید او را عیسی بنامی، زیرا او قوم خود را از گناهانشان نجات خواهد بخشید.»

"این همه رخ داد تا آنچه خداوند به زبان نبی گفته بود، به حقیقت پیوندد که: «باکره ای آبتن شده، پسری به دنیا خواهد آورد و او را عمانوئیل خواهند نامید.» که به معنی «خدا با ما» است. چون یوسف از خواب بیدار شد آنچه فرشته خداوند به او فرمان داده بود انجام داد و زن خود را گرفت. اما با او همبستر نشد تا او پسر خود را به دنیا آورد؛ و یوسف او را عیسی نامید."

متی ۱: ۱۸-۲۵

❖ مریم – ناراحتی

"یوسف نیز از شهر ناصره جلیل رهسپار بیت لحم، زادگاه داوود شد، زیرا از نسل و خاندان داوود بود. او به آنجا رفت تا با نامزدش مریم که زایماتش نزدیک بود، نام نویسی کنند.

"هنگامی که آنجا بودند، وقت زایمان مریم فرا رسید و نخستین فرزندش را که پسر بود به دنیا آورد. او را در قنذاقی پیچید و در آخوری خوابانید، زیرا در مهمانسرا جایی برایشان نبود."

لوقا ۲: ۴-۷

❖ صاحب مسافر خانه – مشغولیت

"...زیرا در مهمانسرا جایی برایشان نبود." لوقا ۲: ۷

❖ شبانان و مجوسیان – شگفت زده

"چون به خانه در آمدند و کودک را با مادرش مریم دیدند، روی بر زمین نهاده، آن کودک را پرستش نمودند. سپس صندوقچه های خود را گشودند و هدیه هایی از طلا و کندر و مُر به وی پیشکش کردند."

متی ۲: ۱۱

"پس (شبانان) به شتاب رفتند و مریم و یوسف و نوزاد خفته در آخور را یافتند. چون نوزاد را دیدند سخنی را که درباره او به ایشان گفته شده بود پخش کردند. و هر که می شنید از سخن شبانان در شگفت می شد... پس شبانان بازگشتند، در حالی که خدا را برای آنچه دیده و شنیده بودند حمد و ثنا می گفتند..."

لوقا ۲: ۱۶-۲۰

خدا از احساس تو آگاه است

و پاسخ او عیسی است

پیام هفته آینده:

«گریسمس چه زمانی است؟»

کشیش سارو خاچیکیان